

## بررسی ساختار هندسه ادبی سوره انسان (آیات ۱ تا ۱۰) با نگاه ویژه به تفسیر المیزان

### چکیده

"سوره انسان" یکی از سوره‌هایی است که مباحث مختلف ادبی در آن استعمال گردیده لذا شایسته بررسی از منظر ساختار هندسی ادبی است. نظریه "ساختارشناسی هندسی سوره‌های قرآن" در سال‌های اخیر مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته‌است. ایشان از منظر جدیدی به قرآن نگرسته و بیان نموده‌اند که هر سوره دارای یک جامعیت واحد است که در انسجام آیات آن نقش دارد و در پرتو قرآن می‌توان به مقاصد و جزئیات سوره دست‌یافت. "اعجاز بیانی" از جمله فواید وحدت موضوعی است. همچنین هر سوره دارای هندسه‌های مختلفی است و این هندسه‌ها بیش از یک موضوع را در خود جا داده‌اند. "ساختار هندسی ادبی قرآن" دستیابی به تفسیری جامع و هدفمند باتکیه بر علوم ادبی است. در این روش، قرآن کریم متنی ادبی، تلقی می‌گردد و مفسر می‌کوشد با بررسی و تحلیل ادبی با رویکردی کل‌نگر، درک کامل و جامع از سوره به دست آورد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی، با بهره‌گیری از علوم ادبی مانند: واژه‌شناسی، نحوی و بلاغی، و بهره‌مندی از تفاسیر ادبی به‌ویژه تفسیر المیزان، به بررسی ساختار هندسه ادبی سوره انسان، (آیات ۱-۱۰) می‌پردازد، و درصدد کشف غرض اصلی، معانی پنهانی، انسجام و نظم درونی بوده که از طریق رویکرد کل‌نگر و ساختارشناسی قابل کشف است. نتیجه آنکه، موضوع کلی و بدنه اصلی سوره انسان، «ماهیت انسان شاکر و کافر» را نشان می‌دهد که در برابر هدایت الهی، با اختیار خود، "راه" «سعادت» و «شقاوت» را انتخاب می‌نماید. اجزاء سوره در سرتاسر آیات، پیرامون ویژگی‌ها و بیان عاقبت این دو گروه می‌پردازد.

کلیدواژه: سوره انسان، علوم ادبی، هندسه ادبی، ساختار، علامه طباطبایی.

### مقدمه

یکی از ویژگی‌های «سوره انسان»، ارتباط معنا دار علوم ادبی در ساختار آن است، به صورتی که زینده است، آیات آن در سطوح مختلف واژه‌شناسی، علوم ادبی و زیبایی‌شناسی به‌صورت ترکیبی مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد، تا وجه اتصال و ارتباط آیات آن با یکدیگر کشف گردد.

با نظریه «ساختارشناسی هندسی سوره‌های قرآن» هر سوره دارای محور و غرض واحدی است که در اتصال آیاتش نقش مهمی دارد. در این شیوه، مفسر ابتدا به کشف روح حاکم بر سوره می‌پردازد تا مقاصد و جزئیات سوره را به دست آورد.

فایده روش ساختارشناسی یا کل‌نگر، کشف نظم و معانی پنهان، وحدت مفهومی و نظم درونی سوره است. نتیجه این رویکرد توجه مخاطب به اجزا و کل پیام سوره و یافتن هویت کلی سوره است (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۲۱).

کسانی که روش ساختارشناسی هندسی قرآن را پذیرفته‌اند، معتقدند، باتوجه به وجود گرایش‌های مختلف تفسیری، برای هر سوره، هندسه‌های متعددی را می‌توان به دست آورد. در حقیقت سوره‌ها دارای ساختار هندسی چندوجهی هستند و هر سوره، افزون بر وحدت موضوعی، دارای مقاصد بسیاری است (سعید بخش، ۱۳۸۸: ۸۹)؛ لذا چند بُعدی بودن قرآن، رویکردهای بیشمار تفسیری، از جمله ادبی، هنری، اجتماعی و انفسی و... را به وجود آورده است. ساختار هندسی ادبی قرآن، شیوه تنظیم سوره در سطوح مختلف آوایی، واژگانی، بلاغی و دستوری است تا مفسر به‌طور دقیق به معانی نزدیک و به مقاصد سوره پی ببرد تا دریچه‌ای به سوی اعجاز بیانی گشوده شود.

پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی ساختار هندسه ادبی سوره انسان، (آیات: ۱۰-۱) می‌پردازد. با توجه به این‌که مهمترین کار یک مفسر شناخت ساختار هندسه ادبی سوره است و از آنجایی که در سوره «انسان» مباحث مختلف علوم ادبی استعمال گردیده است، جهت کشف معانی و مفاهیم والای آن؛ ابتدا لازم است کاربرد علوم ادبی در سوره انسان استخراج شود و سپس با استفاده از تفاسیر ادبی اهداف و مقاصد سوره کشف گردد. همچنین نظر به اینکه، «تفسیر المیزان» نگاه کل‌نگر به هر سوره دارد، به‌گونه‌ای که در مقدمه هر سوره، ابتدا چکیده موضوعات مختلف و اهداف و غرض اصلی سوره تبیین و سپس اغلب نظرات تفسیری بر پایه هدف اصلی سوره بنا گشته است؛ لذا در این پژوهش به‌صورت ویژه، نظرات علامه طباطبایی اقتباس می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۴۴۰).

بحث در ساختار هندسه ادبی سوره انسان، به دنبال یافتن پاسخ برای این سؤال است که: ۱. غرض اصلی سوره انسان چیست؟ نحوه ارتباط مضامین مختلف آیات آن با یکدیگر و با موضوع واحد چگونه است؟ روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش؛ کتابخانه‌ای و روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. نگارنده بر این باور است که با بررسی هندسه ادبی سوره انسان، درک دقیق و کامل‌تری از مفاهیم بلند این سوره به دست می‌آید؛ بر این اساس، سوره انسان دارای موضوع واحدی است و تمام آیات این سوره، پیرامون آن هدف اساسی می‌گردد. از نتایج حاصله این‌که، محور اصلی، «انسان» است که در پاسخ به هدایت الهی به دو گروه «شکور» و «کفور» تقسیم می‌شود. این سوره به بیان خصوصیات و اوصاف ابرار و کفار و همچنین عاقبت هر دو گروه می‌پردازد. هدف از این پژوهش، عینیت‌بخشیدن به تأثیر هندسه ادبی در فهم عمیق آیات، رسیدن به اهداف، مقاصد سوره و تأثیر آن در ادراک اعجاز بیانی قرآن کریم است.

## ۱-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون سوره انسان از منظر ساختارشناسی و هندسه ادبی به صورت یک‌جا مورد بررسی قرار نگرفته است؛ لذا به برخی از پژوهش‌هایی که در این حوزه صورت گرفته است و تاریخچه‌ای مختصر از کتب، تفاسیر، پایان‌نامه‌ها و مقالات اشاره می‌شود:

مباحث مختلف ادبی سوره انسان در آثار اندیشمندانی چون؛ «کشاف» اثر زمخشری، «مجمع البیان» اثر طبرسی و «انوار التنزیل و أسرار التأویل» اثر بیضاوی و «کلمه الله العلیا» اثر آدینه‌وند و... آمده است. کتاب «سلسبیل فی اصول التجزیة والاعراب» به قلم ابوالقاسم علی دوست و ترجمه آن به نام «جرعه‌ای از ادب قرآن» توسط محمد صالحی ابرقویی با رویکرد آموزش و کاربرد ادبیات عرب در سوره انسان نگاشته شده است.

نظریه "ساختارشناسی هندسی سوره‌ها" جستاری است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. شیخ محمد عبده، صاحب «تفسیر المنار» در آغاز قرن ۱۴، این تفکر را دنبال و فرضیه «وحدت موضوعی برای سوره‌ها» را طرح نمود، که فهم هدف هر سوره کمک فراوانی به مفسر می‌نماید تا از مقاصد سوره آگاه و به معانی آیات نزدیک گردد. سپس رشید رضا در «المنار»، همین نظر استاد را دنبال می‌نماید (رشید رضا، ۱۳۷۸: ۴۰۷). علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» علاوه بر توجه به ساختار ادبی سوره، با نگاه کل‌نگر، غرض اصلی هر سوره را بیان نموده است. استاد محمدهادی معرفت، همین روش را درباره سوره حمد و بقره در کتاب گران‌قدر «التمهید» به کار برده است (معرفت، ۱۳۷۸: ۴۰۷). در کتاب «اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم» نگاشته دکتر شحاته، بر ضرورت، ارزش و اهمیت این روش تفسیری تأکید می‌نماید (شحاته، ۱۳۷۳: ۲۷).

پژوهشگران قرآنی، تلاش کرده‌اند برخی سوره‌های قرآن یا همه آن را به این شیوه، در نمودار آورند. از جمله می‌توان به سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» و دکتر سید محمدباقر حجتی و دکتر بی‌آزار شیرازی در «تفسیر کاشف» و سعید حوی در «اساس المیزان» اشاره کرد. استاد محمد خامه‌گر نیز در کتاب «ساختار هندسی سوره‌های قرآن» ضمن تبیین و تشریح ساختار هندسی سوره، نمودار محتوایی سوره ملک را تنظیم نموده است (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۹). مقاله «نظریه هندسه چندوجهی سوره‌های قرآن» نوشته حمید سعیدبخش، به چندبُعدی بودن سوره‌های قرآن کریم اشاره می‌نماید (سعید بخش، ۱۳۸۸: ۸۹). محمد محمدالمدنی نیز در کتاب «المجتمع الاسلامی کما تنظمه سورة النساء» نمودار محتوایی سوره نساء را ترسیم کرده است.

در پایان‌نامه «اسرار بلاغی سوره انسان از منظر فریقین» نوشته حسن خانجانی، فنون بلاغی این سوره جمع‌آوری شده است. در پایان‌نامه «ساختارشناسی سوره انسان و تأثیر آن بر تفسیر آیات و تحلیل روایات شأن نزول سوره» نوشته مریم نساج، آیات سوره انسان را به ۴ دسته تقسیم می‌نماید و با آوردن روایات شأن نزول به بحث پیرامون ابرار می‌پردازد. مقاله «بررسی تطبیقی آیه هشتم سوره انسان از دیدگاه فریقین» از حامد دژ آباد و اعظم خداپرست، به بررسی روایات شأن نزول در آیه ۸ پرداخته است. در مقاله «شأن نزول سوره انسان در روایات فریقین» نوشته محمد جوادی، به روایات شأن نزول و مکی و مدنی می‌پردازد. مقاله «بررسی سبک‌شناسی نحوی در سوره انسان» اثر علی اصغر اصطهباناتی و حمیده کامکار، به بررسی سبک زیباشناسی نحوی سوره انسان پرداخته است. در مقاله «تحلیل ساختار لایه‌ای سوره ملک از منظر سبک‌شناسی (آوایی، واژگانی، معنایی و بلاغی)» نوشته مهدی نوری کیزدقانی و همکاران،

به تحلیل گوشه‌ای از سبک هنری و ادبی سوره ملک پرداخته است. در مقاله «پژوهشی در آواشناسی و ساختارهای صرفی و نحوی و بلاغی سوره تکویر» اثر محمد فراهانی و مهدی داودی نسب، به تحلیل و ارزیابی آوایی و ساختارهای صرفی و نحوی و بلاغی سوره تکویر می‌پردازد.

با وجود پژوهش‌های مذکور، تاکنون نگاشته‌ای که به بررسی، تبیین و تحلیل سوره انسان در حیطه‌های ساختارشناسی و هندسه علوم ادبی پرداخته باشد، یافت نشده است، و موضوعات دیگری مانند: مکی و مدنی، ابرار، مقربان، زیباشناسی و روایات شأن نزول و... مورد کنکاش قرار گرفته است. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های دیگری که در حوزه مباحث ادبی سوره انسان نوشته شده است، در این است که در این تحقیق ضمن توجه به مباحث علوم ادبی (نحوی و بلاغی) و واژه‌شناسی به مباحث ساختارشناسی و روابط معنایی عبارات و آیات این سوره، یعنی موضوع واحد و غرض اصلی سوره پرداخته شده است که این امر در نوع خود یک نوآوری بشمار می‌آید.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۱-۲. مشخصات کلی سوره انسان

سوره انسان از سور مفضلات است و سوره ۷۶ قرآن، با ۳۱ آیه، در جزء ۲۹ قرار دارد. محل نزول آن مورد اختلاف است و بنا بر قول مشهور در شهر مدینه نازل شده است. این سوره با نام‌های انسان، دهر، هل اُتی، ابرار و ام شاج معروف است.

### ۲-۲. سیمای سوره انسان

در روایات شأن نزول این سوره، آمده است: امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بیمار شدند. پیامبر اکرم (ص) به عیادت آنان آمدند و به حضرت علی (ع) فرمودند که برای سلامتی دو کودک عزیز خود نذر کنند که روزه بگیرند. پس از آن که حسنین (ع) بهبود یافتند، علی (ع) و فاطمه (س) سه روز، روزه گرفتند، اما برای افطار، غذایی در خانه نداشتند. علی (ع) از شمعون یهودی مقداری جو، قرض گرفت و نانی تهیه کرد. به هنگام مغرب ابتدا نماز مغرب را خواندند و خواستند افطار نمایند که شب اول فردی مسکین، شب دوم فردی یتیم و شب سوم سائلی اسیر، درب منزل علی (ع) را به صدا درآوردند و درخواست غذا کردند. اهل بیت (ع) برای رضای خدا، غذای خود را به آنان دادند و خودشان با آب افطار نمودند. خداوند متعال، این سوره را در وصف ایثار آنان نازل فرمود. اهمیت این آیات در آن است که، در این حرکت مقدس، پیامبر اکرم (ص) سهیم و شریک نبود، تا روشن شود که این سوره فقط درباره اهل بیت (ع) نازل شده است (امینی، ۱۳۸۷: ۱۰۷/۳).

مفسران شیعه و سنی، از آیه ۵ تا ۲۲ سوره انسان را، نشانگر نزول این سوره در مدینه و فضیلت و برتری وصف‌ناپذیر حضرات «علی، فاطمه، حسن، حسین» (ع) و کارگزار خانه، بانو «فضه» می‌دانند (همان، ۲۹/۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/

۱۹۶). نکته دیگر این که همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که «ابرار» این خاندان گرانمایه هستند، اما این ادعا درباره دیگران سخت مورد اختلاف است (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۹/۴۳).

## ۲-۳. ساختار کلی سوره مبارکه انسان

محور اصلی این سوره، «انسان» است که در پاسخ به هدایت الهی به دو گروه «شاکر» و «کافر» تقسیم می‌شود.

## ۲-۴. ساختار هندسی سوره‌های قرآن

در ساختار هندسی، هر سوره دارای یک یا چند موضوع بنیادی است که بر گرد محور خاصی می‌چرخد. در واقع دارای ساحت ویژه‌ای است که بر دیگر موضوعات آن سایه می‌افکند و جریان سوره را به صورتی می‌سازد که در بردارنده موضوعاتی با چهارچوب مشخص باشد (قطب، ۱۳۷۸: ۵۳/۱).

گرایش به ساختار هندسی سوره‌ها، مستلزم تصدیق ارتباط منطقی و ارگانیک آیات با همدیگر است. به صورتی که همه آیات یک سوره را، بتوان در یک نمودار درختی، به وسیله مبانی فرعی به غرض اصلی متصل نمود. قرآن پژوهان معتقد به این شیوه، درنگاشته‌های خود تلاش نموده‌اند تمام یا قسمتی از قرآن را با نمودار نشان‌دهند. و تلاش نموده آیات به‌ظاهر پراکنده و محتوای سوره را با این شیوه در چهارچوب آورند (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۹).

در حوزه ارتباط آیات قرآن با یکدیگر، مبحثی وجود دارد که از آن با عنوان «تناسب آیات» یاد می‌شود. سیر تاریخی این بحث را می‌توان در دو مرحله بیان کرد. در مرحله اول پژوهشگران تنها به دنبال پیدا کردن وجه اتصال و ارتباط آیات به یکدیگر بودند (سیوطی، ۱۳۶۳: ۲۱۱/۲) در مرحله دوم که از آن به عنوان نظریه «وحدت موضوعی سوره» یاد می‌شود. هر سوره دارای موضوعی واحد در تمام اجزای سوره است و هر دسته از آیات در صدد تبیین آن موضوع هستند (شحاته، ۱۳۷۳: ۲۷). برخی از پژوهشگران از این دیدگاه با عنوان ساختار هندسی سوره‌های قرآن یاد می‌کنند (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۹).

همچنین برخی تقریر دیگری از این نظریه دارند. آنها در پی کشف غرض سوره‌اند. از منظر علامه طباطبایی، هر سوره صرفاً مجموعه‌ای از آیات نامنظم و پراکنده نیست، بلکه دارای جامعیت واحد است به گونه‌ای که یک وحدت فراگیر بر هر سوره حاکم است که ارتباط آیات را نشان می‌دهد. ایشان می‌گوید: «اینکه خداوند هر دسته از آیات را جدا از دسته دیگر قرار داده و نام سوره بر هر یک نهاده، شاهد بر این است که یک‌گونه انسجام در هر سوره هست که میان یک سوره و سوره دیگر، آن پیوستگی وجود ندارد. از این رو در می‌یابیم که اهداف و مقاصد موردنظر در هر سوره با سوره‌های دیگر تفاوت دارد. هر سوره برای بیان هدف و مقصد خاصی عرضه شده است که سوره جز با پایان یافتن آن هدف و رسیدن به آن مقصد پایان نمی‌یابد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۱۴).

قرآن‌پژوهانی که ساختار هندسی سوره‌ها را پذیرفته‌اند، اثبات می‌کنند که نگره وحدت موضوعی، افزون بر سوره‌های کوچک و متوسط قرآن؛ در سوره‌های بزرگ، حتی سوره بقره نیز حاکم است. لذا این روش جامع تمام سوره‌های قرآن است (سید قطب، ۱۳۸۶: ۱/ ۵۳)

وحدت موضوعی سوره‌ها، فواید و ثمرات بسیاری دارد. از جمله، کشف افق‌های جدید در اعجاز بیانی، آشنایی سریع با مفاهیم قرآن، فهرست‌بندی سوره‌ها، دفاع از اصول اعتقادی شیعه، مقابله با شبهه‌افکنی مستشرقان و ارائه ترجمه‌ای پیوسته و ساختاری از قرآن؛ تا آنجا که برخی توجه به وحدت غرض را از مبانی اصلی و اصول تفسیر صحیح می‌دانند (همان، ۲۰).

## ۲-۵. هندسه چند وجهی سوره‌های قرآن

هر سوره دارای هندسه‌های مختلفی است و این هندسه‌ها بیش از یک موضوع را در خود جا داده‌اند. در واقع هر سوره علاوه بر این که وحدت و یکپارچگی خود را حفظ می‌کند، دارای محورها و اهداف و مقاصد متعددی است که هر یک در طول دیگری وجود دارند و هر کدام مانع از ظهور و بروز دیگری نخواهد بود (سعید بخش، ۱۳۸۸: ۸۹).

در طول تاریخ تفسیر و پژوهش‌های قرآنی از صدر اسلام تاکنون، گرایش‌ها و الوان مختلف تفسیری به وجود آمده‌است. این بدان معناست که همان سوره‌ها و آیاتی که مفسر قبلی صرفاً اجتماعی معنا کرده بود، مفسر بعدی عرفانی معنا می‌کند و مفسر بعدی در حیطه عرفانی معرفه‌النفس نگاه انفسی به آیه دارد. هریک از مفسران بنا به گرایش خود، از یک آیه تفسیر متفاوتی ارائه می‌دهند که با تمام اختلافاتی که در این مسیر دارند، هیچ‌کدام از جاده مستقیم اصول اصلی تفسیر خارج نشده‌اند (مؤدب، ۱۳۸۶: ۱۵). و روش‌های مختلفی برای به‌دست‌آوردن هندسه سوره و کشف موضوع واحد سوره بیان کرده‌اند. از آن جمله واژه‌شناسی، شناخت فنون ادبی، سیاق، آیات آغازین و پایانی، مکی یا مدنی بودن و اسماء‌الحسنی و... همچنین برای بیان نقشه سوره، سبک‌های مختلفی وجود دارد، از جمله: نموداری، گزارشی، استدلالی و درختی (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۲۴۵-۱۱۵).

## ۲-۶. ساختار هندسه ادبی سوره‌های قرآن

پژوهشگران به دنبال پیدا کردن وجه اتصال و ارتباط آیات با یکدیگر هستند تا موضوع واحدی را در بین تمام اجزای یک سوره استخراج نمایند. با توجه به ارتباط معنادار علوم ادبی در پژوهش‌های زبانی و ساختاری سوره‌ها، آیات قرآن در سطوح مختلف واژه‌شناسی، علوم ادبی و زیباشناسی مانند صرف و نحو و بلاغت به صورت تلفیقی مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد (همان، ۱۱۵).

## ۳. ساختار هندسه ادبی سوره انسان

در این مبحث به لحاظ گستردگی هندسی ادبی آیات سوره انسان، هر یک از آیات موردنظر از حیث علوم نحوی، بلاغی و واژه‌شناسی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و به صورت منسجم به استخراج هندسه ادبی سوره و آیات از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته شده است. نویسنده بر این باور است که استفاده از ساختار هندسی ادبی در سوره انسان درک کامل‌تر و جامع‌تری از این سوره نسبت به سایر روش‌ها به ارمغان می‌آورد.

### ۳-۱. سوره انسان / آیه ۱

﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا﴾ (انسان: ۱)

آیا چنین نیست که، زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود (مکارم شیرازی).  
زمینه این آیه و آیات بعد احتجاج است، به صورتی که می‌خواهد بفهماند انسان موجودی حادث است و در پدید آمدنش، نیازمند خالق است.

### ۳-۱-۱. نکات نحوی

«هل» استفهامیه، «أتی» فعل، «عَلَى الْإِنْسَانِ» جارو مجرور متعلق به اتی، «حین» فاعل، «مِّنَ الدَّهْرِ» جارو مجرور متعلق به عامل مقدر و نعت برای «حین»، «لَمْ يَكُنْ» فعل ناقص، ضمیر مستتر اسم آن، «شئاً» خبر، «مذکوراً» نعت برای «شئاً» (آدینه وند، ۱۳۷۷: ۶/ ۸۸۶). جمله «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا» مورد اختلاف است و دو وجه برای آن بیان شده است: ۱. موضع نصب: بنابراین که حال از «انسان» باشد. ۲. موضع رفع: بنابراین که صفت برای «حین» باشد. کلمه «حین» مضاف الیه است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۶۶۷).

### ۳-۱-۲. زیبایی‌های بلاغی

#### ۳-۱-۲-۱. علم معانی

#### اقسام خبر، تأکید (هل به معنای قد)

«قد» یکی از «ادوات تأکید» است. «هل» در آیه شریفه ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ﴾ طبق دیدگاه اغلب ادبا، به معنای «قد» دانسته شده است. زیرا بسیاری از نحاة، یکی از معانی «هل» را «قد» بیان کردند (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰/ ۳۱۴).

#### انشای طلبی

«هل» در آیه اول سوره انسان، برای استفهام آمده، لیکن با انگیزه تقریر که فایده آن ثبوت و تحقق معنای جمله است. لذا «هل» به معنای یکی از ادوات استفهام در مبحث انشای طلبی مطرح می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۱۹۳). وجود استفهام در آغاز سوره، نسبت به سایر سوره‌ها، که اکثراً با جمله خبری آغاز می‌شوند، یک امر «بدیع» است، به ویژه این‌که پس از این آیه، چند آیه، با تأکید «إن» شروع می‌شود تا استفهام ابتدای سوره را پاسخ دهد.

### نکره آوردن مسند

هرگاه «مسند»، «نکره» آورده شود، دلالت بر تحقیر، کم‌ارزش جلوه‌دادن و قابل‌ذکر نبودن «مسند» دارد. از جمله در آیه، ﴿لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا﴾ «شئیًا» به‌عنوان خبر فعل ناقصه و «مسند» است تا روشن کند که انسان در آن محدوده زمانی شئی ناچیز بوده، نه اینکه اصلاً چیزی نبوده است (همان، ۱۴۹).

### ۳-۱-۳. واژه‌شناسی

**انسان:** مراد از واژه «انسان» در این آیه جنس بنی‌آدم است (همان، ۱۹۶). لیکن برخی گفته‌اند: مقصود آدم (ع) است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۶۷). علامه نمی‌پذیرد و معتقد است با آیه بعد ناسازگار است، زیرا آدم (ع) از نطفه خلق نشده در حالی که آیه بعد، درباره همین انسان می‌فرماید: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ﴾ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱۹۶).  
**حین:** یعنی وقت رسیدن چیزی و زمان به دست آوردن آن که معنی آن از نظر حدّ زمانی مبهم و به معنی مطلق زمان است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱/۵۶۹).

**دهر:** یعنی عمر جهان از آغاز تا پايانش (همان، ۶۹۰). در المیزان، زمانی ممتد و طولانی و بدون حد است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱۹۳).

### ۳-۱-۴. هندسه ادبی آیه ۱/ با توجه به تفسیر المیزان

استفهام در این آیه برای "تثبیت مطلب" است. یعنی به طور یقین روزگاری بوده که نام و نشانی از انسان نبوده است؛ و چه بسا منظور مفسرینی هم که می‌گویند «هل» در این آیه به معنای «قد» بوده همین است؛ نه آنکه خواسته‌اند بگویند: یکی از معانی هل، قد است. «هلُ أتی»، یعنی «قد أتی»، به تحقیق آمد بر آدمی قطعه‌ای محدود از زمانی ممتد و غیر محدود درحالی که انسان بالفعل مذکور نبود (همان).

علامه، زمینه این آیات را احتجاج دانسته که درصدد است انسان را موجودی حادث معرفی و اثبات نماید. که در پیدایش‌اش، محتاج خالق است تا او را خلق کند. به گونه‌ای که: بعد از آنکه پروردگار او را آفریده با تدبیرش او را به لوازم شعور یعنی سمع و بصر مجهز نموده، تا با آن به راه حق هدایت شود؛ آنگاه اگر کفر ورزد به سوی عذاب دردناک و اگر شکرگزار باشد، به سوی نعمت‌های جاویدان سیر می‌کند (همان).

مراد از واژه «انسان» جنس بنی‌آدم است که در راستای هدایت خداوند به دو قسم، شاکر و کفور تقسیم می‌شود. استفهام در این آیه برای "تثبیت مطلب" است یعنی روزگاری بوده که نام و نشانی از انسان نبوده است؛ لذا انسان موجودی حادث است. بنابراین موضوع اصلی این سوره «انسان» است.

### ۳-۲. سوره انسان / آیه ۲

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (انسان: ۲)



ترجمه: همانا ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم (لذا) او را شنوا و بینا قرار دادیم (مکارم شیرازی).

این آیه، به کیفیت خلقت انسان می‌پردازد؛ که خداوند قبل از رساندن به غایت هستی‌اش، او را سمیع و بصیر نماید. لذا اگر آیات حق را ببیند و بشنود به نعمت‌های جاویدان و الا به خلود در عذاب وعده می‌دهد.

### ۳-۲-۱. نکات نحوی

«إِنَّ» حرف تأکید ناسخ، ضمیر متکلم اسم آن، «خَلَقْنَا» فعل و فاعل، «الإنسان» مفعول، جمله فعلیه خبر برای «إِنَّ»، «من نطفة» جارومجرور متعلق به «خَلَقْنَا»، «أَمْشَاج» نعت برای «نطفة»، «نبتلیه» فعل، فاعل، مفعول و حال برای فاعل «خَلَقْنَا»، «فا» عاطفه، «جَعَلْنَا» فعل و فاعل، ضمیر غایب مفعول اول، «سمیعا» مفعول دوم، «بصیراً» حال برای فاعل «سَمِيعاً» (آدینه‌وند، ۱۳۷۷: ۶/ ۸۸۷). آیه، استیناف بیانی از کیفیت خلقت انسان است. «نَبْتَلِيهِ» محلاً منصوب بنا بر حال از ضمیر «خَلَقْنَا» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۶۶۷).

### ۳-۲-۲. زیبایی‌های بلاغی

#### ۳-۲-۲-۱. علم معانی

#### تقدیم مسندألیه

تقدیم مسندألیه در این آیه، به علت اختصاص است (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۸۳).

#### فصل (کمال اتصال)

یکی از مواضع فصل (ترک عطف جمله‌ای بر جمله‌ای دیگر)، کمال اتصال (اتحاد کامل معنوی) است. به صورتی که جمله «نَبْتَلِيهِ» "حال" از فاعل «خَلَقْنَا» یا از "مفعول" یعنی «الإنسان» است و به دلیل اتصال معنایی با جمله «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ» بدون عاطفه آمده است (تفتازانی، ۱۴۳۱: ۱/ ۲۲۸).

#### اقسام خبر، عدول از ضمیر به اسم ظاهر به جهت تأکید

در آیه شریفه «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ...» کلمه «انسان»، اسم علم است و با اینکه کلمه «انسان» در آیه اول آمده بود لیکن به ضمیر اکتفا نکرد، چون به مخاطب بفهماند خالق، فقط خداوند است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۱۹۵).

#### تأکید و تقریر با حرف «إِنَّ»

«إِنَّ» مؤکد جمله اسمیه، و بر آن تأثیر معنوی دارد و وقوع خبر را بر اسم تثبیت می‌کند. در سوره انسان ده بار کلمه «إِنَّ» آمده است. ذیل آیه ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ﴾ نقل شده که تأکید کلام با «إِنَّ» به جهت پاسخی است بر نکوهش مشرکین به منزله منکرین خالقیت خداوند برای انسان، زیرا خداوند در این آیه خالقیت خود را تثبیت می‌نماید (ابن عاشور، «بی‌تا»، ۳۴۷/ ۲۹).

### ۳-۲-۳. واژه‌شناسی

مشح: یعنی از مواد مختلف زمین ترکیب شده، کلمه «أَمْشَاجٍ» به معنای مخلوط و ممتزج است. «أَمْشَاجٍ نَبْتِيهِ» یعنی مخلوطی از خون (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴/۲۲۷).

نطفه: آب صاف، به نطفه انسان تعبیر شده است، در اصل به معنای آبی اندک و آب ذکوریت حیوانات غلبه یافته است (همان، ۳۵۵).

### ۳-۲-۴. هندسه ادبی آیه ۲/ با توجه به تفسیر المیزان

جمله «نبتیه» مشتق از «ابتلا» و به معنای انتقال از حالتی به حالتی دیگر است، مثلاً "طلا را در بوته ابتلا می‌کنند، تا ذوب شود و به شکلی که می‌خواهند در می‌آید." خداوند انسان را ابتلا می‌کند یعنی از نطفه خلق؛ سپس آن نطفه را علقه و علقه را مضغه، تا در آخر خلقتی دیگر یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱۹۴).

عبارت «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا نَبْتِيهِ» که «نَبْتِيهِ» پس از سمع و بصر آمده است، اقوال مختلفی ذکر شده است.

۱. تقدیم و تأخر، یعنی: «جَعَلْنَا الْإِنْسَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا لِنَبْتِيهِ»، گویا سمع و بصر مسبب ابتلاء است.

۲. تقدیم و تأخر نیازی نیست، یعنی: «سَمِعَناه و بَصَرناه سَبِيلَ الْهُدَى و سَبِيلَ الضَّلَاله».

۳. «فاء» دلالت بر ترتیب دارد، یعنی انسان مراحل را طی می‌کند: ۱) نبودن ذکری از او در زمانی محدود. ۲) مراحل خلقت. ۳) امتحان (۴) نعمت سمع و بصر پس از ابتلا. ۵) نشان دادن راه. ۶) رسیدن به نعیم ابدی یا عذاب مخلد (همان).

علامه، باور گروه اول را، نادرست دانسته و معتقد است، سمیع و بصیر شدن، نمی‌تواند متفرع بر امتحان باشد. بلکه از جمله ﴿فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ و سیاق آیات، بخصوص آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ...﴾ استفاده می‌شود که سمیع و بصیر نمودن بشر، به جهت یادآوری انسان به تدبیر ربوبی است که قبل از رساندن به‌غایت هستی‌اش او را سمیع و بصیر نماید. زیرا آیات و کلمات حق را ببیند و بشنود و به ایمان و عمل صالح وارد شود؛ لذا اگر وارد شد، خداوند او را به نعمت‌های جاوید و در غیر این صورت به خلود در عذاب وعده می‌دهد (همان).

بنابراین تأکید با «إِنَّ» به این علت است که انسان با ابتلائات از جانب خداوند، شکل می‌گیرد و با سمیع و بصیر شدن، راه هدایت را یافته، انتخاب می‌نماید و با ایمان و عمل صالح به نعمت‌های جاوید وارد شود.

### ۳-۳. سوره انسان / آیه ۳

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان: ۳)

همانا ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد (و پذیرا) یا کفران کند (مکارم شیرازی).

بر اساس هندسه ادبی، آیه ۳، به فراگیری هدایت خداوند برای همه انسان‌ها، چه شاکر و چه کافر اشاره دارد، که با انتخاب خود یا ایمان می‌آورند و یا کفر می‌ورزند.

### ۳-۳-۱. نکات نحوی

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ﴾ علت ابتلا، «إِنَّ» حرف تأکید، «نا» اسم، «هدیناه» فعل، فاعل و مفعول خبر «إِنَّا»، سبیل مفعول به دوم، یا منصوب به نزع خافض، متعلق به «هدیناه»، و «إِمَّا» حرف شرط و تفصیل است. کلمات «شَاكِرًا وَكَفُورًا» حال برای ضمیر (هاء) در «هدیناه» یا حال برای «سبیل» است. آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ...﴾ برای جمله «نَبْتَلِيهِ»، جمله استیناف بیانی دانسته شده است (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۱۴).

### ۳-۳-۲. زیبایی‌های بلاغی

#### ۳-۳-۲-۱. علم معانی

##### فصل

آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾، تفصیلی است برای آیه ﴿فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾، تا انسان از انذار خداوند به علت کفر رهایی یابد و بهره‌مند بشارت بهشت به سبب شکرگزاری از نعمت پروردگارش گردد (ابن عاشور، «بی تا»: ۲۹ / ۳۴۸).

##### تأکید

چهار آیه ابتدای سوره انسان با «إِنَّ» شروع می‌شود تا نشان دهنده تأکید بر موضوع باشد. زیرا پس از یک استفهام آمده که نشان‌دهنده تأکید برای زدودن شک از ذهن مخاطب است پیرامون موضوع خلقت انسان و سرانجام آن است، تا هیچ شکی باقی نماند (همان).

#### ۳-۳-۲-۲. علم بیان

##### مجاز

وصف «سبیل» بر شکر و کفر از باب مجاز از ایمان و کفر است (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۱۴).

##### طباق ایجاب

آیه شریفه ﴿...إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ یکی از موارد «طباق ایجاب» است که در آن کلمه «شَاكِرًا» مترادف سپاسگزاری بوده و کلمه «كَفُورًا» مترادف ناسپاسی است؛ بنابراین بین این دو واژه، نوعی «تقابل معنایی» وجود دارد با توجه به اینکه در یک کلام آورده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰، ۱۲۲).

#### ۳-۳-۲-۳. علم بدیع

##### لف و نشر مشوش

در آیات شریفه (۳ تا ۵) سوره انسان، «لف و نشر مشوش» وجود دارد. مکافات کافر را بر پاداش شاکر مقدم داشت، به خاطر این که در مورد جزای انسان کفور کلام را مجمل آورده، سپس به طور به تفصیل به پاداش شاکران می‌پردازد. (همان)

### ۳-۳-۳. هندسه ادبی آیه ۳/ با توجه به تفسیر المیزان

علامه، نکات ذیل را از آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ...﴾ استخراج می‌نماید:

۱. «هدایت»، نشان دادن راه است، نه رساندن به مقصد.
  ۲. «سبیل»، مسیر رساندن انسان به غایت (حق) است.
  ۳. «شکر»، به کاربردن آشکارای نعمت است؛ به صورتی که به همگان بفهمانی که این نعمت را منعم داده است.
  ۴. حقیقت شکور آن است که برای پروردگارش خالص باشد.
  ۵. «کفران»، پوشاندن نعمت منعم از خلق.
  ۶. جمله «إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»، حال از ضمیر در «هَدَيْنَاهُ» است، نه از کلمه «سَبِيلًا»!
  ۷. «اما»، برای تقسیم و تنويع بکار می‌رود. و آیه چنین معنا می‌دهد: «مردم در قبال هدایت پروردگارشان دو گروه‌اند، یا شاکرند و یا کافر و به هر حال هر دو گروه چه شاکر باشند و چه کفور، هدایت شده‌اند» (همان، ۱۹۵).
- بنابراین با توجه به این که کلمه «اما» تقسیم و تنويع را می‌رساند، لذا فضای ویژه این سوره، به فراگیر بودن هدایت خداوند برای همه انسان‌ها، اعم از شاکر و کافر دلالت دارد. انسان پس از سمیع و بصیر شدن و ابتلائات‌اش، در مقابل هدایت الهی، با توجه به قدرت اختیار خود یکی از دو حالت شکور و کفور را بر می‌گزیند.

### ۴-۳. سوره انسان / آیه ۴

﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا﴾ (انسان: ۴)

- ترجمه: همانا ما برای کافران زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های سوزان آماده کرده‌ایم (مکارم شیرازی).
- ساختار هندسی این چهار آیه عبارت است از: ۱) خلقت انسان از آبی گندیده و سپس قراردادن او به شکل انسان. ۲) هدایت از جانب خداوند و انتخاب راه بد یا خوب. ۳) نزول عذاب برای کافران. ۴) پاداش نیک به مؤمنان.

### ۳-۴-۱. نکات نحوی

«إِنَّ» حرف ناسخ، ضمیر متکلم (نا) اسم آن، «أَعْتَدْنَا» فعل و فاعل، «لِلْكَافِرِينَ» جارومجرور متعلق به «أَعْتَدْنَا»، «سَلَاسِلَ» مفعول برای اعتدنا، «سَلَاسِلَ» صیغه منتهی‌الجموع و ممنوع صرف (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۱۴). جمله فعلیه، خبر برای «ان»، و او عاطفه، «أَغْلَالًا» عطف بر «سَلَاسِلَ» و «سَعِيرًا» عطف بر «سَلَاسِلَ» شده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۶۶۷).

### ۳-۴-۲. زیبایی‌های بلاغی

### ۳-۴-۲-۱. علم معانی

مسندالیه (تعظیم)

ضمایر متکلم مع‌الغیر، در این آیات نقش مسندالیه را دارند، چون افعال مذکور (خلق، ابتلا، هدایت...) فقط از پروردگار (حق) صادر می‌گردد؛ لذا مرجع ضمایر خداوند است که طبق قواعد ادبی، باید به صورت متکلم وحده آورده شود، در صورتی که آوردن ضمیر به شکل متکلم مع‌الغیر، به دلیل، نشان دادن جلالت، عظمت شأن خود در برابر مخلوقات است (ابن عاشور، «بی تا»: ۲۹ / ۳۵۳).

### ۳-۴-۳. واژه‌شناسی

سَلَّاسِلٌ: اضطراب و زنجیر (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۲ / ۲۳۹).

غُلٌّ: زنجیر مخصوص، در خصوص چیزی است که اعضای مجرم در وسط آن جمع می‌شود، «اغلل» جمع آن است (همان، ۳ / ۷۰۶).

سعیر: لهیب و آتش افروخته (همان، ۲ / ۲۲۲).

### ۳-۴-۴. هندسه ادبی آیه ۴ با توجه به تفسیر المیزان

در آیه ۴، عاقبت گروه کفور، در جمله اسمیه و با تأکید (ان) آمده است. به صورتی که آیه، سرانجام ناگوار کافران را که در آیه قبل ﴿إِنَّمَا كُفُورًا﴾ نامشان ذکر شده بود، بیان می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۱۹۹). بنابراین عاقبت انسان کافر در قیامت و جهنم با عبارات «سَلَّاسِلٌ، أَغْلَالٌ، سَعِيرٌ» یعنی «غل، زنجیر، آتش سوزان» به تصویر کشیده است. ضمایر متکلم در این آیات، نقش مسندالیه دارد و افعال (خلق، ابتلا، هدایت...) فقط از خداوند صادر می‌شود؛ لذا مرجع ضمیر فقط خداوند است.

### ۳-۵-۳. سوره انسان / آیه ۵

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٌ كَابِرٌ﴾ (انسان: ۵)

ترجمه: همانا ابرار (نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است (مکارم شیرازی).

بر اساس هندسه ادبی سوره، از آیه ۵، به بعد، در توصیف گروه شاکرین است. ابتدا با واژه «ابرار» معرفی شده‌اند. اولین ویژگی آنان "نوشیدن از شراب معطر به عطر کافور" است.

### ۳-۵-۱. نکات نحوی

«ابرار» اسم (ان)، جمله «یشربون» خبر، «من کأس» متعلق به «یشربون»، مفعول «یشربون» محذوف، یعنی خمر من کأس و جمله ﴿كَانَ مِرْأَجُهَا كَافُورًا﴾ نعت برای کأس است (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۳۱۴).

### ۳-۵-۲. زیبایی‌های بلاغی

### ۳-۵-۲-۱. علم معانی

## تأکید با حرف «ان»

آیه کریمه، احوال شاكران را، با بكاربردن «ان» و «جمله اسمیه»، با تأكیدی، افزون بر آیه قبل بیان می‌کند. از منظر گروهی، آیه استیناف بیانی است (ابن عاشور، «بی‌تا»: ۲۹ / ۳۵۴). خداوند با حرف تأکید «ان» و سایر مؤکدات به آن‌ها پاسخ می‌دهد و گوشه‌ای از حالات بهشتیان را برای مؤمنین بیان و بشارت می‌دهد که در عالم آخرت آنان از مشرکین بهتر و برترند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۱۹۱).

## مسنندالیه معرفه، (الفولام عهد)

الفولام در «ابْرَار» عهدیه است؛ بنابراین مراد از «ابرار» اهل بیت هستند. چون در اذهان معهود و شناخته شده‌اند (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۹ / ۴۹).

## تقیید حکم

مفاعیل، موجب تقیید حکم می‌شوند، چه مذکور باشند چه محذوف! حذف مفعول، مفید فائده‌هایی است از جمله: ۱. عمومیت ۲. ذکر قبلی ۳. اختصار، در آیه ﴿...يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ...﴾ برخی از نحوین، فعل «بشرب» را متعدی و مفعول به آن «خمرا» را، محذوف می‌دانند؛ لذا حذف مفعول به، از باب اختصار است؛ لذا می‌تواند به‌عنوان تقیید حکم شمرده شود، ممکن است در این آیه «تعمیم» نیز از مقاصد الهی باشد که این اغراض با ذکر مفعول به حاصل نمی‌شود؛ (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۴۱).

## ۳-۵-۲-۲. علم بدیع

## لفونشر مشوش (معکوس)

خداوند در تبیین سرانجام دو دسته، «لفونشر مشوش» (معکوس) یا «تقدم و تأخر» به‌کار برده که با هدفی همراه است و آن مقصود مختصراً آن است که فرصتی برای اطناب کلام، جهت بیان اوصاف شاكرین خلق گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۱۲۲).

## ۳-۵-۳. واژه‌شناسی

کاس: ظرفی است که شربت یا نوشیدنی در آن می‌ریزند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴ / ۹۴).

مزج: یعنی مخلوط کردن مایعات، شربت‌ها و نوشیدنی‌ها (همان، ۲۲۱).

کافور: تاکی است که برگ‌ها و ساقه‌هایش سرشار است از خوشه‌ها و دانه‌های فراوان سرخ‌رنگ و در آیه قرآن، نوشیدنی «ابرار» است (همان، ۳۰۷) گروهی از مفسرین معتقدند «کافور» اسم چشمه‌ای است در بهشت پُرطراوت و به زیبایی و سفیدی کافور که بسیار خوشبو، دل‌انگیز و خنک است (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۹ / ۴۸).

بر: نقطه مقابل - بحر - یعنی خشکی است، در واژه «بحر» تصور و سعت می‌رود و «بر» یعنی خشکی از آن مشتق شده است. لیکن «بر» و سعت در خیر و نیکی است. «ابرار» جمع بار است و برآز بار در معنی بلیغ‌تر است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۲/ ۲۵۴)

### ۳-۵-۴. هندسه ادبی آیه ۵/ با توجه به تفسیر المیزان

«ابرار» یا صفت مشابه از مصدر «بر» - به کسره باء -، به معنی نیکویی است و این مفهوم در مورد کسی صادق است که عمل خود را نیک سازد، و در نظر نگرفته که نفعی عایدش گردد، نه جزایی و نه حتی تشکری از او! یا جمع کلمه «بر» - به فتحه باء -، به معنای کسی است که خیر را به خاطر خیر می‌خواهد نه بدان جهت که منفعتی به دست آورد. مانند: طعام به بندگان مستحق خدا (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۱۹۹).

قرآن کریم در این سوره از انسان‌های با ایمان با وصف «ابرار» توصیف کرده که پاداش اعمال نیک‌شان، «نوشیدن از شراب معطر به عطر کافور» است.

### ۳-۶-۳. سوره انسان / آیه ۶

﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا﴾ (انسان: ۶)

ترجمه: از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند و از هرکجا بخواهند آن را جاری می‌سازند (مکارم شیرازی).

بر اساس هندسه ادبی آیه ۶، سومین صفت شاکرین با عنوان «عباد الله» آمده است. در «تفجیر عین»، جاری ساختن چشمه‌های بهشتی نیازمند بیل و کلنگ نیست، بلکه با اراده بهشتیان به دست می‌آید.

### ۳-۶-۱. نکات نحوی

«عیناً» مضاف‌الیه، مضاف محذوف، یشرَب صفت برای «عیناً»، «بها» جارو مجرور، متعلق به «یشرَب»، ضمیر «ها» به «کأس» برمی‌گردد (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰/ ۳۱۴). کلمه «تَفْجِيرًا» مفعول مطلق تأکیدی و اشاره به نوع خاصی از تفجیر دارد؛ یعنی، جریان آب به‌صورتی است که تاکنون نه چشمی چنین جریان آبی را دیده و نه گوشی چیزی از آن شنیده است (علی دوست، ۱۳۸۳: ۸۷).

### ۳-۶-۲. زیبایی‌های بلاغی

### ۳-۶-۲-۱. علم معانی

تقیید حکم

آیه ۶، «تفجیر حکم به وسیله حال» است. آیه «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» حال از مسندألیه «یشرب» یعنی «عِبَادُ اللَّهِ» است. بنابراین، حال بندگان خدا را در بهشت بیان می‌کند که: خداوند به آنان اختیار داده که در بهشت از چشمه آبی بنوشند که هر کجا بخواهند، جاری می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۲۰۱).

### مضاف آوردن مسندألیه

مضاف آوردن مسندألیه یه دلیل، عظمت آن است، در آیه ﴿عِبَادُ اللَّهِ﴾، عباد با اضافه به لفظ جلاله (الله) شرافت می‌یابد و جایگاهی ارزشمند می‌یابد. که به آن «اضافه تشریفی» می‌گویند (تفتازانی، ۱۴۳۱: ۸۲ / ۱).

### جناس اشتقاق

در آیه «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» دو لفظ «یفجرون» و «تفجیرا» از ریشه «فجر» مشتق شده و «جناس اشتقاق» است. خداوند در این آیه می‌خواهد عظمت غیرقابل وصف جوشش شراب را تبیین کند، لذا با استعمال مفعول مطلق، به توصیف چشمه می‌پردازد و به صورتی در اختیار عباد الله است که هر کجا اراده کنند، جاری می‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۳۲).

### ۳-۶-۲. علم بدیع

#### تضمین

در آیه ۵ و ۶ سوره انسان، تضمین حرفی به کار رفته است: ﴿...يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ...﴾ و ﴿...يَشْرَبُ بِهَا...﴾ در آیه ۵، فعل «یشرب» با حرف «من» متعدی می‌شود، در صورتی که در آیه ۶، با حرف «باء» متعدی شده است. بصریون آیه ۶، را با تضمین فعل (پری) که با حرف جر «باء» متعدی می‌شود، در فعل یشرب تحلیل کرده‌اند و حاصل معنای آیه را نوشیدن همراه با سیراب شدن دانسته‌اند (فضلی، ۱۳۸۰: ۳۲۵).

### ۳-۶-۳. هندسه ادبی آیه ۶/ با توجه به تفسیر المیزان

«تفجیر عین» یعنی شکافتن زمین برای روان‌سازی آب‌های زیرزمینی! و در این آیه، منظور از «تفجیر عین»، صرف خواستن است. لذا روان‌سازی چشمه‌های بهشتی جز خواست و اراده اهل بهشت هیچ هزینه دیگری لازم ندارد و محتاج بیل و کلنگ نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۲۰۱).

عبارات «يَشْرَبُونَ» و «يَشْرَبُ بِهَا» روشن‌گر این معنا است که هم اکنون مشغول آشامیدن اند نه قیامت! و گرنه می‌فرمود: «سَيَشْرَبُونَ» و «سَيَشْرَبُوا بِهَا»! افزون بر این، وفاکردن، اطعام نمودن، نوشیدن و ترسیدن، همه در یک سیاق آمده و عبارت «تَفْجِيرًا» نمود شکافتن چشمه و روان‌سازی آب با اسبابی چون: وفا، اطعام و خوف است. لذا واقعیت این کارها، تفجیر عین است (همان).

بنابراین جمله: «یشربون» و جمله «یشرب بها» به صورت مضارع، می‌رساند، ابرار اکنون مشغول نوشیدن نه در آینده (قیامت) می‌نوشند. ذکر «تفجیر» شکافتن چشمه و جاری‌ساختن آب با اسباب وفا، اطعام و خوف است، یعنی حقیقت این اعمال، تفجیر عین است.

### ۳-۷. سوره انسان / آیه ۷



﴿يُوفُونَ بِالَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ (انسان: ۷)

ترجمه: آن‌ها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که عذابش گسترده است می‌ترسند (مکارم شیرازی).

آیه ۷، به ویژگی‌های دیگری برای شاکرین یعنی وفاء به نذر و خوف از قیامت می‌پردازد.

### ۳-۷-۱. نکات نحوی

«يُوفُونَ» فعل، «واو» فاعل، «بِالَّذْرِ» متعلق به «یوفون»، «یوما» مفعول به، جمله «کان» صفت برای «یوما»، «شَرُّهُ» اسم «کان» و «مُسْتَطِيرًا» خبر آن است (درویش، ۱۳۸۳: ۱۰ / ۳۱۴).

### ۳-۷-۲. زیبایی‌های بلاغی

### ۳-۷-۲-۱. علم معانی

#### وصل

یکی از موارد استعمال وصل، عطف یک جمله بر جمله دیگر به واسطه «واو» است. جمله «يَخَافُونَ» به جمله ما قبلش عطف شده و هر دو جمله، خبری و حالات «ابرار» را بیان می‌کند و انگیزه وصل بین دو جمله در این آیه، وجود مناسبت، تا پیوند تام و اتحاد در لفظ و معنا است (مبرد، «بی‌تا»: ۵ / ۵۷).

#### شبه کمال اتصال، (فصل)

این جمله استیناف بیانی است، مثل اینکه گفته شود: به چه دلیل مستحق این همه نعمت شدند؟ و پاسخ داده شود: «يُوفُونَ» (به علت اینکه وفا کردند...) و با جمله ماقبل ارتباط قوی دارد، گویا بین این جمله و جمله ما قبل «شبه کمال اتصال» (از مواضع فصل) وجود دارد (تفتازانی، ۱۴۳۱: ۱ / ۲۲۸).

#### تأکید حکم

فعل «کان» در اصل، دلالت بر زمان ماضی دارد، لیکن در قرآن غیر از زمان گذشته با وجود قرینه، برای «تأکید معنا» بکار رفته است. مانند آیه «يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» که منظور از «یوم» روز قیامت است، که در آینده خواهد آمد؛ بنابراین «کان» در آیه ۷، دلالت بر آینده دارد و همراهش، تأکید بر فرارسیدن حتمی قیامت دارد که شکی در آن نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۱۹۶).

#### استعاره

آیه شریفه ﴿... كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ از موارد استعاره است. «مستطیر» به معنای گسترده و پراکنده است و استعاره از عذاب‌های گوناگون و وسیع آن روز عظیم دارد (سیدرضی، [بی‌تا]: ۳۵۶).

### ۳-۷-۳. واژه‌شناسی

مُسْتَطِيرٌ: به معنای منتشر و دامنه‌دار است که سرتاسر محشر را فراگرفته، دوام دارد و انتهائی هم ندارد (قرشی، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۶۴).

شر: چیزی است که همه از آن رو برگردانند، «خیر» چیزی است که همه به او متمایل اند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۱۰/۲). گروهی از مفسرین «شَر» را به هول، وحشت و سختی‌های روز قیامت تعبیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۹/۴۸).

### ۳-۷-۴. هندسه ادبی آیه ۷/ با توجه به تفسیر المیزان

مقصود از شر یوم ﴿يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ شر روز قیامت یعنی روزی که سختی‌ها و احوال و عذاب‌ها به آخر می‌رسد. و مراد از «ایفای به نذر» همان وفای به نذر است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۰۲).

علت انتخاب ایمان، در آیه ۷، در عبارت «يَخَافُونَ»، "خوف از خدا" و علت انتخاب کفر، در آیه ۲۷، در عبارت «يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ»، "حب دنیا" معرفی شده است.

### ۳-۸. سوره انسان / آیه ۸

﴿يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ (انسان: ۸)

ترجمه: غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند (مکارم شیرازی). بر اساس هندسه ادبی آیه ۸، این داستان واقعی گروهی از مؤمنین است، که قرآن با نام "ابرار"، از وفای به نذر و اطعام ایشان یاد کرده، آنها را می‌ستاید و وعده جمیل‌شان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۰۳).

### ۳-۸-۱. نکات نحوی

«يُطْعَمُونَ» فعل مضارع، «علی» در اینجا به معنای مصاحبت، «ال» در «الطعام» الف‌ولام عهد نیست، زیرا اگر مراد طعامی باشد که به وسیله اهل بیت عطا گردیده عهد خواهد بود، ولی آیه در شأن این بزرگواران نازل و در مورد غیر ایشان نیز جاری است (علی دوست، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

### ۳-۸-۲. زیبایی‌های بلاغی

#### ۳-۸-۲-۱. علم معانی

#### ایجاز قصر

آیه ۸ دربردارنده ایجاز قصر است. یعنی دارای معانی بلند در قالب الفاظ کوتاه بدون حذف، آیات سوره انسان طبق روایات، به یک واقعه تاریخی درباره حضرت علی<sup>(ع)</sup> و بیماری حسنین<sup>(ع)</sup> اشاره دارد که خداوند در قالب چند عبارت کوتاه آورده است (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۷۸).

### ۳-۸-۲-۲. علم بدیع

#### جناس اشتقاق

میان، فعل «يُطْعَمُونَ» و اسم «طَعَام»، نوعی «جناس اشتقاق» هست، به صورتی که هر دو از یک ریشه «طعم» مشتق شده، «يُطْعَمُونَ» به باب «إفعال» رفته، و «طَعَام»، مصدر ثلاثی مجرد است؛ یعنی: «و طعام (شان) را با این که دوست دارند و به آن نیازمنداند به فقیر، یتیم و اسیر می خوراند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۰۳).

### ۳-۸-۳. واژه‌شناسی

مَحَبَّت: یعنی خواستن و تمایل به چیزی که می بینی و آن را خیر می پنداری (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱/۲۳۷).

مَسْكِين: کسی است که هیچ چیز نداشته باشد (همان).

یتیم: جداشدن کودک از پدر، قبل از سن بلوغ (همان، ۱/۵۴۱).

اسیر: بستن کسی با زنجیر و طناب (همان، ۱۷۴). مراد از «اسیر» کسی است که در جنگ گرفتار شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۰۳).

### ۴-۸-۳. هندسه ادبی آیه ۸/ با توجه به تفسیر المیزان

ضمیر مجروری در «علی حبه» به کلمه «طعام» برمی گردد. منظور از «حب طعام»، میل و اشتیاق زیاد به «طعام» است. یعنی با وجود شدت نیاز به خوراک که روشنگر این معنا، آیه ﴿كُنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران: ۹۲) است (همان).

علامه، دلیل مدنی بودن این سوره را اطعام دادن به اسیر به وسیله «ابرار» می داند. که داستان بعد از هجرت رسول خدا (ص) و قوت یافتن اسلام، و غلبه مسلمین بر کفار و مشرکین اتفاق افتاده، نه قبل از آن (همان). بنابراین با توجه به معنای «اسیر»، این آیات مدنی است. و داستان «ابرار» یا «اهل بیت» است که در این آیات از وفای به نذر و اطعامشان یاد کرده و آن‌ها را می ستاید و وعده جمیل می دهد.

### ۹-۳. سوره انسان / آیه ۹

﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً﴾ (انسان: ۹)

ترجمه: (و می گویند) ما شما را برای خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداشی و تشکر از شما نمی خواهیم (مکارم شیرازی).

آیه ۹، به تبیین انفاق خالصانه و بی ریا که فقط به خاطر عشق، حب و وجه الله صورت می گیرد، می پردازد.

### ۳-۹-۱. نکات نحوی

﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ...﴾ جمله تعلیل برای سبب إطعام، «انما» کافه، «نُطْعِمُكُمْ» فعل مضارع، فاعل اش مستتر، تقدیرش نحن، «کم» مفعول به، «لِوَجْهِ اللَّهِ» متعلق به «نُطْعِمُكُمْ»، جمله «لَا تُرِيدُ» حال، «لا» نافی، «نرید» فعل مضارع، فاعل اش مستتر، تقدیر اش نحن، «منکم» متعلق «نرید»، «جزاء» مفعول به و «لَا شُكُورًا» عطف بر آن شده است (درویش، ۱۴۱۵: ۱۰/۳۱۴).

### ۳-۹-۲. زیبایی های بلاغی

#### ۳-۹-۲-۱. علم معانی

##### خبر طلبی

نوع خبر در این آیه، طلبی است، زیرا در علم معانی، هرگاه مخاطب در خبر تردید داشته باشد و خواستار آگاهی از حقیقت باشد به آن خبر طلبی گویند و در این حالت، کلام با تأکید آورده می شود (هاشمی، ۱۳۹۲: ۵۵).

##### دلالت های جمله اسمیه و فعلیه

در زبان عربی جمله فعلیه دلالت بر تجدد و حدوث و جمله اسمیه دلالت بر ثبوت دارد. در برخی از آیات سوره انسان برای افعالی که از طرف خداوند است، جمله اسمیه استفاده شده است مانند: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ...﴾ ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ﴾ ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا...﴾ و از سوی دیگر برای افعالی که از انسان رخ می دهد، با جمله فعلیه آمده است، مانند: ﴿يُوقُونَ بِاللَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا...﴾ ﴿يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ...﴾ (همان)

### ۳-۹-۲-۲. علم بیان، تشبیه، استعاره و مجاز

در تشبیه بلیغ، بهشت به زیباترین توصیف و دوزخ با استعاره و مجاز، سخت و پر وحشت به تصویر آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۰۵).

### ۳-۹-۲-۳. علم بدیع، صنعت التفات

صنعت التفات یکی از پرکاربردترین و زیباترین صنایع به کاررفته در قرآن است. یکی از اهداف التفات: منتقل شدن کلام از تکلم، خطاب یا غیبت به حالتی دیگر است در آیه: ﴿وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ...﴾ درحالی که کلام درباره اطعام کردن مؤمنان است، ضمیر از غایب به متکلم و مخاطب تغییر می یابد و آیه بعد این چنین می شود: ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ... لَأُنْرِي...﴾ (قزوینی، ۲۰۰۳: ۶۷).

### ۳-۹-۳. واژه شناسی

طعم: خوردن غذا است و واژه، «طعام» به گندم و حبوبات اختصاص دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴/۴۸۴).  
وجه: در اصل، چهره و صورت است، و از ذات هم به وجه تعبیر شود. به طور استعاره به معنی مذهب و راه شریعت معنی شده است (همان، ۴۲۳).

جزا: بی‌نیازی و کفایت‌کردن، جزا، چیزی است که در برابر کار خیر به نیکی، و در برابر کار شر به بدی کفایت و جبران کند، معنی دوّم جزا یعنی پاداش و مقابله به صورت مثل (همان، ۱/ ۳۹۷).

### ۳-۹-۴. هندسه ادبی آیه ۹/ با توجه به تفسیر المیزان

جزا، عمل کسی را به چیزی که معادل و برابر آن باشد عوض دادن، و کلمه «شکر» و «شکور» هر دو به معنای ذکر نعمت، و یادآوری آن در زبان و قلب و عمل است و به همین جهت خانواده اطعام‌گر به دنبال اطعام‌شان می‌گویند ﴿لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۲۰۵).  
معنای این‌که عملی به‌خاطر «وجه‌الله» انجام شود این است که نتیجه رحمت خدا و خشنودی‌اش جلب شود و منظور تنها همین باشد (همان، ۲۰۳).

بنابراین در این آیه انفاق خالصانه فقط به خاطر عشق، حب و وجه الله صورت می‌گیرد. به همین دلیل اهل بیت، جزا (معادل نعمت) و شکور (ذکر نعمت) به دنبال انفاق خود نمی‌خواهند.

### ۳-۱۰-۱. سوره انسان/ آیه ۱۰

﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوسًا قَمَطِرًا﴾ (انسان: ۱۰)

ترجمه: همانا ما از پروردگاران خائف هستیم در آن روز که عبوس و شدید است (مکارم شیرازی).  
بر اساس هندسه ادبی، آیه ۱۰، بحث خوف شاکرین از خدا برای دومین بار مطرح شده است. و با دو صفت از اوصاف قیامت یعنی با واژه‌های «عبوس» و «قمطیر» به شدت و سختی‌های این روز عظیم هشدار می‌دهد.

### ۳-۱۰-۱. نکات نحوی

ضمیر «نا» اسم «إِنَّ»، جمله «نَخَافُ» خبر، فاعل «نَخَافُ» ضمیر مستتر، تقدیر آن «نحن»، «مِنْ رَبَّنَا» متعلق به «نَخَافُ»، «یَوْمًا» مفعول به، «عَبَّوسًا» نعت و «قَمَطِرًا» نعت دوم برای «یوما» است (درویش، ۱۳۸۳: ۱۰/ ۳۱۴).

### ۳-۱۰-۲. زیبایی‌های بلاغی

#### ۳-۱۰-۲-۱. اعلم بیان، تشبیه، مجاز و استعاره

عبوس شمردن روز قیامت، از باب استعاره است. مراد از عبوس بودن یوم، ظهور کمال شدت آن روز برای مجرمین است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۲۰۶).

### ۳-۱۰-۳. واژه‌شناسی

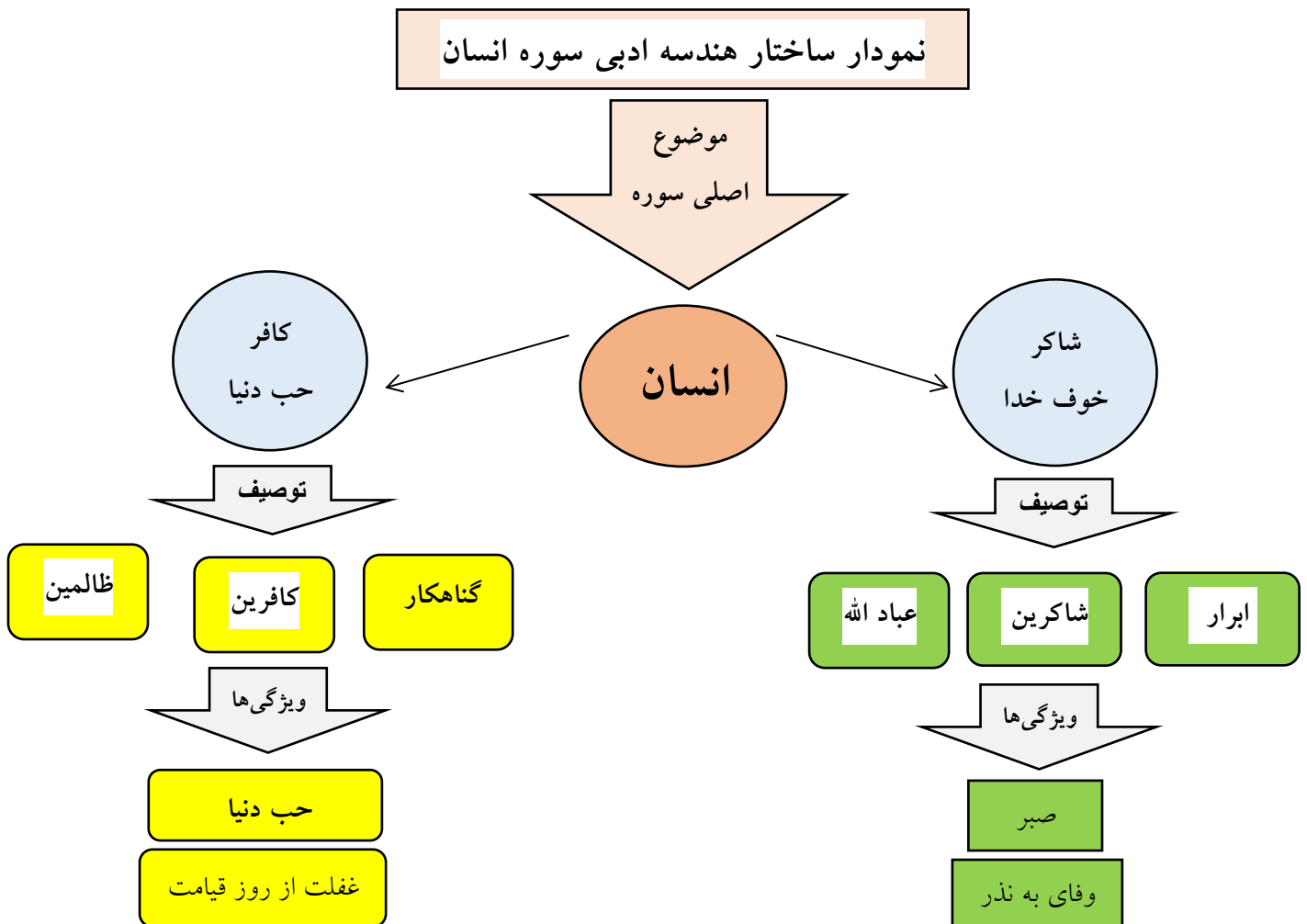
قمطر: سخت، ترش‌رو (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴/ ۲۴۹).

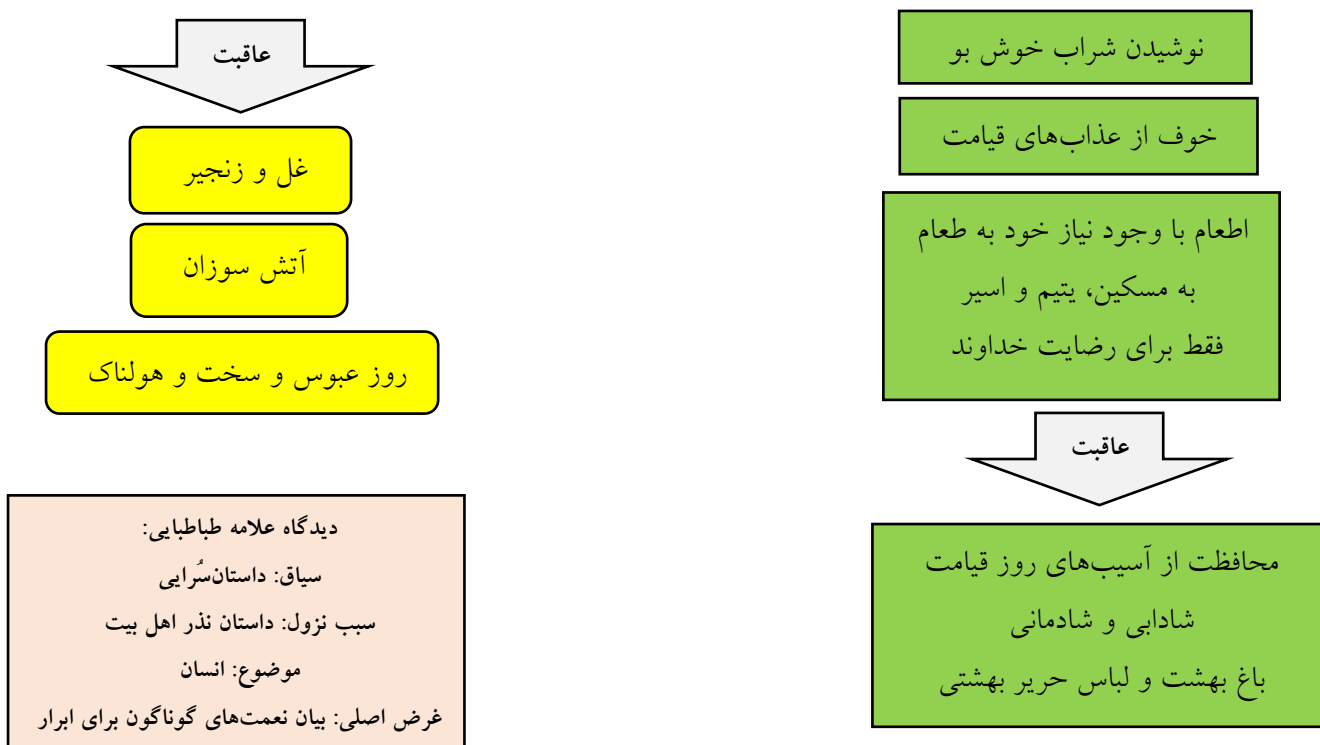
عبوس: درهم شدن چهره که در اثر تنگدلی و گرفتگی خاطر است (همان، ۲/ ۵۴۶).

۳-۱۰-۴. هندسه ادبی آیه ۱۰ با توجه به تفسیر المیزان

علت این که گفتند: ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ﴾ و عمل اطعام را تنها به خاطر خدا انجام دادند، چون از آن روز سخت در مقام عمل می‌ترسیدند، زیرا حساب عمل بندگان فقط با خدا است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۰۶). بنابراین در آیه ۱۰، علت انتخاب ایمان توسط انسان‌های شکور، مانند آیه ۷، در عبارت «يَخَافُونَ» و «نَخَافُ»، "خوف از خدا" بیان شده است.

با توجه به ارتباط معنا دار علوم بلاغی و نحوی در پژوهش‌های زبانی و ساختاری، در این جستار نیز سطح بلاغی و نحوی به صورت تلفیقی تحلیل و تبیین گردید، لذا پس از بررسی (ده آیه اول سوره انسان)، که اکثر ساحت‌های مختلف علوم ادبی و نحوی بلاغی در آن استعمال شده است، می‌توان نمودار ساختاری ذیل را ترسیم نمود:





## نتیجه گیری

باتوجه به بررسی ساختار هندسه ادبی سوره انسان که به صورت ویژه به ۱۰ آیه اول آن پرداخته شده است، نتایج ذیل استخراج می‌گردد:

۱- سوره انسان دارای جامعیتی واحد است که موجب انسجام آیات آن شده است. وحدت موضوعی در این سوره، «انسان» است که در پاسخ به هدایت الهی، به دو گروه «شاکر» و «کافر» تقسیم می‌شود. فضای سوره، به فراگیر بودن هدایت خداوند برای همه انسان‌ها دلالت دارد. لذا پس از سمیع و بصیر شدن و ابتلائاتش در مقابل هدایت الهی، به اختیار خود یکی از دو حالت شکور و کفور را بر می‌گزیند.

۲- علت انتخاب ایمان، «خوف خدا» و علت انتخاب کفر، «حب دنیا» معرفی شده است. و تمام آیات این سوره به بیان اوصاف ابرار و کفار و عاقبت هر دو گروه می‌پردازد.

۳- این سوره از انسان‌های با ایمان با اوصاف «شاکر، ابرار و عباد الله» و اعمال نیک آنان را با عنوان «یَشْرِبُونَ، یُوفُونَ، یَخَافُونَ، یُطْعَمُونَ» توصیف می‌نماید.

۴- ظاهر جمله «یشربون» و «یشرب بها» که با فعل مضارع آمده است خاطر نشان می‌سازد که ابرار اکنون مشغول نوشیدنند نه در قیامت و گرنه «یشربون» و «یشربوا بها» به کار می‌رفت.

۵- کلمه «تفجیر» در عبارت «یُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» گواهی می‌دهد بر این که ابرار، شکافتن چشمه و روان ساختن آب را با اسباب و علل وفا، اطعام و خوف انجام می‌دهند که واقعیت (تفجیر عین) است.

- ۶- عاقبت انسان‌های کافر در توصیف قیامت و جهنم در آیات (۳۱-۷-۴) با عبارات «سَلَسِلٍ، أَغْلَالٍ، سَعِيرٍ، يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا وَّعَذَابًا أَلِيمًا» به تصویر کشیده است.
- ۷- عاقبت ابرار در توصیف بهشت در آیات (۱۰ تا ۲۳) با محافظت خداوند از ایشان در برابر آسیب‌های روز قیامت، اهدای شادابی و شادمانی، باغ بهشت و لباس حریر بهشتی، تکیه بر تخت‌های عزت، ندیدن آفتاب و سرما، دسترسی به سایه درختان بهشتی و میوه‌هایش و... معرفی شده است.
- ۸- غرض اصلی این سوره، بیان نعمت‌های گوناگون به ابرار؛ سیاق آن، داستان‌سرایي؛ سبب نزول، داستان نذر اهل بیت و دلیل مدنی بودن، اطعام به اسیر است.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، [بی تا]، «التحریر و التنبیر»، موسسه سهل التاریخ.
- آدینه‌وند، محمدرضا، (۱۳۷۷ش)، «کلمه الله العلیا»، تهران: اسوه.
- امینی، عبدالحسین، (۱۳۸۷ش)، «الغدیر»، ترجمه: محمد باقر بهبودی، تهران: بنیاد بعثت.
- بیضاوی، ناصرالدین عبدالله، (۱۴۱۸ق)، «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حجتی، محمدباقر، بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم؛ (۱۳۶۳ش)، «تفسیر کاشف»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تفتازانی، سعد الدین، (۱۴۳۱ش)، «شرح المختصر علی تلخیص المفتاح»، ج: ششم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- حوی، سعید، (۱۴۱۲ق)، «الاساس فی التفسیر»، قاهره: دارالاسلام.
- خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۶ش)، «ساختار هندسی سوره‌های قرآن»، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- درویش، محی الدین، (۱۴۱۵ق)، «اعراب القرآن الکریم و بیانہ»، مدرسه فقاہت.
- راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۸۳ش)، «المفردات فی غریب القرآن»، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مکتبه مرتضویه.
- رضی، محمد بن حسین، [بی تا]، «تلخیص البیان»، بیروت: دار الضوء.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۰۷ق)، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، ج ۴، ناشر: بیروت، دار احیاء التراث العربی
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، (۱۳۶۳ش)، «الاتقان فی علوم القرآن»، تهران: امیرکبیر.
- شحاته، عبدالله محمود، (۱۳۷۳ش)، «در آمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم»، ترجمه: محمد باقر حجتی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.



- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، (۱۳۹۰ش)، «مجمع البیان لعلوم القرآن»، ترجمه: علی کریمی، مشهد: آستان قدس.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۵ش)، «تفسیر جوامع الجامع»، ترجمه: واعظ زاده، صاحبی و همکاران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- عبده، محمد؛ رضا، محمد رشید، (۱۳۶۶ق)، «تفسیر المنار» مصر: مطبعه المنار.
- علی دوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۷ش)، «جرعه‌ای از ادب قرآن» ترجمه «سلسبیل فی اصول التجزیه و الاعراب»، ترجمه: محمد صالحی ابرقویی، قم: بوستان کتاب.
- فضلی، عبدالهادی، (۱۳۸۰ش)، «تهذیب البلاغه»، ترجمه: سیدعلی حسینی، قم: بوستان کتاب.
- قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ش)، «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، «تفسیر احسن الحدیث»، تهران: بنیاد بعثت.
- قزوینی، خطیب، (۲۰۰۳م)، «الایضاح فی علوم البلاغه»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قطب، ابراهیم حسین، (۱۳۸۶ق)، «فی ظلال القرآن»، بیروت: دارالاحیاء العربی.
- محمدالمدنی، محمد، (۱۴۱۰ق)، «المجتمع الاسلامی كما تنظمه سورة النساء»، مصر: الدار المصریة للنشر والتوزیع.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۸ش)، «التمهید فی علوم القرآن»، قم: انتشارات حوزه علمیه قم.
- مؤدب، سید رضا؛ (۱۳۸۶ش)، «مبانی تفسیر قرآن»، قم: انتشارات دانشگاه سمت.
- هاشمی، سید احمد، (۱۳۹۲ش)، «جواهرالبلاغه»، مترجم: حسن عرفان، قم: قدس.
- اصطهباناتی، علی اصغر؛ کامکار، حمیده، (۱۳۹۶ش)، «بررسی سبک شناسی نحوی در سوره انسان»، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، ش ۲، از ص ۱۲۱ تا ۱۴۰.
- جوادی، محمد، (۱۳۹۲ش) «شأن نزول سوره انسان در روایات فریقین»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی ش ۳۱، از ص ۷ تا ۱۶.
- دژ آباد، حامد؛ خداپرست، اعظم، (۱۳۹۳ش)، «بررسی تطبیقی آیه هشتم سوره انسان از دیدگاه فریقین»، مشرق موعود، ش ۳۰، از ص ۱۱۰ تا ۱۳۴.
- سعیدبخش، حمید، (۱۳۸۸ش)، «نظریه هندسه چند وجهی سوره‌های قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ویژه نامه قرآن و شهیدین، ش ۵۸، از ص ۱۸۱ تا ۲۱۱.

- فراهانی، محمد؛ داودی نسب، مهدی، (۱۳۹۹ش)، «پژوهشی در آواشناسی و ساختارهای صرفی و نحوی و بلاغی سوره تکویر»، *مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم*، ش ۲، از ص ۸۶ تا ۱۰۲.
- نوری، مهدی و همکاران، (۱۴۰۱ش)، «تحلیل ساختار لایه‌ای سوره ملک از منظر سبک‌شناسی (آوایی، واژگانی، معنایی و بلاغی)»، *مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم*، ش ۲، از ص ۱۲۳ تا ۱۴۱.
- خانجانی، حسن، (ش ۱۳۹۵)، «*اسرار بلاغی سوره انسان از منظر فریقین*»، استاد راهنما: شیر افکن، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- نساچ، مریم، (۱۳۹۰ش) *ساختارشناسی سوره انسان و تأثیر آن بر تفسیر آیات و تحلیل روایات شأن نزول سوره*، استاد راهنما: عباس اسماعیلی‌زاده، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری).